

## ۳۹ درصد مستمری های تامین اجتماعی به باز ماندگان می رسد

بر اساس آخرین گزارش دفتر آمار و محاسبات سازمان تامین اجتماعی، بازماندگان، ۳۹ درصد کل مستمری بگیران این سازمان را تشکیل می دهند. در این گزارش، شمار بازمانده های تامین اجتماعی تا پایان سال ۹۵، یک میلیون و ۱۰۴ هزار و ۶۳۲ نفر اعلام شده و تامین اجتماعی، در قالب ۷۵۶ هزار و ۱۳۶ پرونده، به آنها مستمری پرداخت می کند. بر اساس آخرین آمار، ۵۹ درصد بازماندگان را همسران بیمه شده فوت شده، ۴۰ درصد را فرزندان، و یک درصد باقی مانده را امداران تشکیل می دهند. مستمری بازماندگی، از جمله تعهدات بلندمدت سازمان تامین اجتماعی است که در صورت فوت بیمه شده، بازنشسته یا ازکارافتاده، به بازماندگان واجد شرایط، پرداخت می شود.

## مدارتن

همایش علمی امید اجتماعی

A T I V E H N O



# نگان امیدند

## و نخستین همایش ملی «امید اجتماعی در ایران»

تکاپو می افتند و قوام و قوت اجتماعی، دوباره به بطن جامعه باز می گردد. این امید، یک وجه دیگر هم دارد و آن مختصات زمانه حاضر و تأثیر پذیری آن از عصر شبکه های اجتماعی است که ویژگی های جدیدی به مفهوم امید و ناامیدی بخشیده است. حالتی که در آن، کنشگران به یمن وجود شبکه های اجتماعی، از ساختارهای رسمی قدرت و تعیین کنندگی آنها فاصله گرفته اند و حتی در مواردی اتکای به قدرت رسمی را در این عصر را غیرعقلانی می دانند. در نخستین همایش ملی امید اجتماعی که هفته گذشته به همت موسسه «رحمان» در دانشگاه علامه طباطبائی برگزار شد، صاحب نظران حوزه های مسائل اجتماعی، فلسفی و اقتصادی به مفهوم امید، و ویژگی ها و کاربست های آن در جامعه امروز ایران و همین طور بایسته های جامعه امیدوار پرداختند. آتیبه نو، بخشی از مباحث مطرح شده در این همایش را در این دو صفحه منعکس کرده است.

کارگزاری توضیح داده می شود. به گفته فراسخواه، در هر جامعه ای تفاوت های فرهنگی باعث می شود صورت بندی های گوناگونی از امید به دست داده شود. عضو هیئت علمی موسسه پژوهش و برنامه ریزی آموزش عالی، با اشاره به ساخت اجتماعی امید گفت: «جامعه ای که در آن تحمل ایهام و ریسک و مصالحه جویی، کم است و جهت گیری درازمدت، پایین است، امید اجتماعی متفاوتی با جامعه ای دارد که در آن، مظاهره جویی و ریسک و یادگرفتن از شکست، تجربه می شود و تسامح و تساهل، در اوج قرار دارد.» فراسخواه، با بیان اینکه جامعه ایرانی در زمینه جهت گیری های درازمدت یا عدم تحمل ایهام چالش هایی دارد، اضافه کرد: «در ایران درست است که امید اجتماعی مشکلاتی دارد اما از آن سسو نیز دارای ظرفیت های تازه ای است. مثلاً میل به موفقیت از طریق عملکرد در جامعه ما بسیار بالاست.» وی افزود: «در ایران، مردم همچنان

می خواهند موفق بشوند و شور زندگی و امید زیر پوست جامعه جریان دارد و نفس می کشد.» به باور این جامعه شناس، میل به موفقیت و زندگی، در مردم ایران بالاست و تحرک اجتماعی در عرصه عمومی زیاد اما در عین حال، دچار نوعی پارادوکس است، وی اضافه کرد: «اساس جمعیت نسبی باعث شده انتظارات بالا و درکی اوتوپایی از جامعه در میان ایرانیان وجود داشته باشد اما در مقابل، آمیدی به محقق شدن این درک مشاهده نمی شود. چرا که بسترها، ساختار، قوانین، ظرفیت ها و جایگاه های اجتماعی متناسب را پیش روی خود

### ■ خلق فضای امید در ایران

مقصود فراسخواه، در سخنرانی خود با عنوان «انسان ایرانی و امیدهایش» به وجود پارادوکسیکال جامعه ایرانی اشاره کرد که از یک طرف، آدرس و شاخص های ناامیدی در جامعه را نشان داده و از طرفی هم وعده می دهد که جامعه ایرانی، شکوفا خواهد شد. این جامعه شناس، با بیان اینکه امید به صورت اجتماعی ساخته می شود و شاکله اصلی آن، بر اثر تحولات تاریخی و فرهنگی ساخته می شود، گفت: «امید در گذشته، تقلید گریانه بوده اما در دوره جدید بر مبنای خودبنیادگی انسان و سوژگی و

**مقصود فراسخواه:**  
**فضای اقتضایی در جامعه در حال رشد است. در نتیجه، فضای گفت وگو، مدد کاری و یادگیری ها خلق می شود که نوعی امید اجتماعی تازه است**

نمی بیند» فراسخواه، با اشاره به وجود دو سطح تحلیل وضع ذهنی و فضاهای اجتماعی برای تبیین معماری امید اجتماعی در ایران گفت: «جامعه کنونی ایران، دچار نوعی فرسایش ذهنی است. ذهن فرزتوت در ایران که به صورت انفعال اجتماعی و عصبانیت اجتماعی ظهور یافته، برای امید اجتماعی مشکل ساز است. مردم خستگی های عاطفی سرکوب شده دارند، با علیت رویدادها و اثرگذاری ارتباطی برقرار نمی کنند و فقط احساس قربانی بودن دارند.» به گفته فراسخواه، از همین نقطه ناامیدی، امکان هایی برای امید فراهم می شود. وی افزود: «در مقابل فضاهای رسمی کنترلی و سلسله مراتبی، فضاهای اجتماعی به وجود می آیند که از اعمال زندگی روزمره گروه های اجتماعی و فضاهای زیسته، تجربه های پیش رو و «هم کنشی های خلاق» معطوف به راهی ایجاد می کنند.» فراسخواه، سازمان های مردم نهاد و انجمن های دوستانه و خویشاوندی، تجمع های محلی را در شمار فضاهای اجتماعی دسته بندی کرد و گفت: «این امکانات، تخیلات جامعه را به شکل سازنده آزاد می کنند و فضاهای اقتضایی را در مقابل فضای سطره قرار می دهد.» وی تصریح کرد: «فضای اقتضایی در جامعه امروز ایران، در حال رشد است. در نتیجه، کمابیش فضای گفت وگو، مددکاری و یادگیری های تازه و هم افزایانه ای خلق می شود که نوعی امید اجتماعی تازه است و در آن مردم منتظر نیستند دولت بیاید و مشکلات شان را رفع کند.» این جامعه شناس، در عین حال از نااطمینانی های آینده ایرانیان درباره امید هم صحبت کرد و توضیح گفت: «امید جامعه ایرانی در آینده به برخی نااطمینانی ها چشم دوخته است. اولین ناامیدی این است که آیا نخبگان جامعه، به نام ایران توافق اصولی مجددی خواهند کرد؟ چرا که توافق های قبلی، کهنه شده و نیاز به توافق جدید است.» وی شکاف میان دولت و ملت را دومین نااطمینانی جامعه ایرانی نسبت به آینده امید دانست. به اعتقاد فراسخواه، تقلیل دوبخش از جامعه ایران، یکی منفعل، فردگرا و خودمدار است و دیگری که فعال است و ابتکارات اجتماعی ای چون سمن ها و تشکل های مدنی دارد، سومین و چهارمین فضای سناریوی آینده ایران هستند. وی بر اساس این نااطمینانی ها، چهار سناریوی آینده امید اجتماعی ایران پیش بینی کرد. استفاده از پنجره های فرصت امید به جهش در جرم بحرانی جامعه، بهترین سناریوی است که به گفته فراسخواه، باید برای جامعه ایرانی پیش بینی کرد. جنبش های اجتماعی، پرهزینه و طولانی و اصلاح طلبی های اجتماعی، دومین سناریو و اعتدال گرایی یا اصلاحات دولتی یک جانبه و بی دوام، در غیاب تشکل های مدنی، سومین سناریوی احتمالی از دیدگاه فراسخواه است. وی همچنین نارضایتی های انباشته، پراخشگری، اعتراض، فروپاشی سیاسی و اجتماعی و اقتصادی را بدترین پیش بینی برای امید اجتماعی در ایران اعلام کرد.



### ■ امید، بذر هویت انسانی است

سعید مدنی، نیز سخنران دیگری بود که در صحبت های خود به بحث درباره دیالکتیک امید

و ناامیدی در جنبش های اجتماعی پرداخت. این جامعه شناس و پژوهشگر ارشد علوم اجتماعی، با بیان اینکه در فرهنگ ایرانی، هر دو سوی امید و ناامیدی، ساری و جاری است، اظهار کرد: «دو رویکرد عمده روانشناختی و جامعه شناختی، با مفهوم امید در ارتباط است. در روانشناسی، با امید و ناامیدی روبه رو هستیم اما در رویکردهای جامعه شناختی، تمرکز بر مفاهیمی مانند امید جمعی، امید گروهی و امید اجتماعی است.» به گفته این جامعه شناس، در امید از زاویه روانشناختی، صحبت از سرمایه روانشناختی است که چهار مولفه امید، خوش بینی، تاب آوری و خودکارآمدی دارد. وی جزء اول امیدواری را داشتن هدف و خوشبینی نسبت

به آینده در مقایسه با وضعیت موجود دانست و ادامه داد: «راه رسیدن به نقطه بهتر و راهکار پیش رو، و داشتن انگیزه برای حرکت به سمت مسیر مدنظر، جزء های دوم و سوم، هسته سخت مفهوم امید در کلیه حوزه های روانشناختی است.» به گفته این جامعه شناس، در رویکرد روانشناختی امید و ناامیدی به جنبه های اجتماعی موضوع توجه نمی شود و بر همین اساس، نقدهایی جدی به آن وارد است. مدنی، با اشاره به امید عمومی گفت: «امید عمومی، بحثی است که از بالا به جامعه تزریق می شود و جنبه های برزق و برق دارد. نوعی پروپاگاندای رسمی اما ناپایدار است که مثلاً می گویند بعد از انتخابات بهشت، ساخته می شود، ناپرابری ها برطرف می شود یا پیروبیست ها از آن برای بسیج اجتماعی استفاده می کنند اما هیچ کدام از وعده ها محقق نمی شوند و تنها به اعتمادی را در سطح عمومی گسترش می دهد.» وی امید ناامیدی را مانند ظروف مرتبط با یکدیگر توصیف کرد و گفت: «هیچ جامعه ای، ناامید مطلق نیست بلکه باید گفت امید، از جایی به جای دیگری می رود.» به گفته مدنی، گونه جمعی امید، چشم انداز بهتری برای زندگی آینده ترسیم می کند و منجر به شکل دهی به کنش جمعی می شود. وی افزود: «امید جمعی، از جایی شروع می شود که یا گروه های اجتماعی دیدگاه شان را نسبت به وضعیت بهتر می کنند و تغییر اجتماعی به اشتراک می گذارند یا زیرساخت های قدرت مسلط، باعث ایجاد امید جمعی می شود.» وی خدمات رسانی به مردم در مناطق زلزله زده را نمونه اعلایی از امید جمعی توصیف کرد و گفت: «کسی که چشم اندازی از وضعیت بهتر در سر دارد، و این چشم انداز و راه های رسیدن جمعی به آن را با دیگران به اشتراک می گذارد، انگیزه جمعی برای رفتن به وضعیت مطلوب به دست می آید، «شبکه امید» شکل می گیرد و جمع به این نتیجه می رسد که برای رسیدن به زندگی بهتر چه تلاشی باید بکند.» مدنی، در ادامه به نقش نهادهای امید از قبیل خانواده، جامعه مدنی و... اشاره کرد که با ایجاد مجموعه ای از هنر جاها، انتظارات و انگیزه ها رسیدن به هدف وضعیت بهتر را تسهیل می کنند. وی امید اجتماعی را محصول جمع شدن امیدهای فردی در یک جامعه دانست و گفت: «اشتراک جمع ها، موجب رسیدن یک جامعه به امید اجتماعی می شود و معمولاً دارای مکانیزم های پیچیده تری نسبت به امید فردی است.» به اعتقاد این جامعه شناس، اتفاقاتی که در دی ماه افتاد، نشانه ناامیدی از یک بخش و امیدواری به بخشی دیگر است.

مدنی، انتقاد اجتماعی را فاز اول شکل گیری امید اجتماعی دانست و گفت: «وقتی وضعیت موجود و عملکرد دولت نقد می شود به یک معنا نشان از ناامیدی از عملکرد دولت است ولی همزمان ظرفیت های اجتماعی به دنبال اتصال به نقطه های امید دیگر است.» وی امید را بذر هویت انسانی تعبیر کرد و گفت: «امید، همیشه به آینده ربط دارد و نوعی



## کتیو | ۰۹

توانایی انسان در شرایط نامطلوب موجود است که در خود، ظرفیت رسیدن به وضعیت مطلوب را می بیند.»



### ■ امید، همبستگی ساز است

حسام سلامت، مدرس فلسفه و دانشجوی جامعه شناسی دانشگاه تهران نیز در این همایش، مختصات نوعی از سیاست امید را توضیح داد. وی با تأکید بر اینکه در ایران، برخلاف تصورات عمومی، تفکر چندانی درباره مفهوم بنیادین امید صورت نگرفته، گفت: «عرصه اندیشه در ایران همچنان نیاز دارد مفهوم امید را به بحث بگذارد و حتی اگر به شکلی انتزاعی هم باشد، باید بر سر آن اندیشه شود.» سلامت، با اشاره به وجود ۴ فرم از امید، اولین نوع اندیشیدن را امید ایده آلیستی دانست و گفت: «در این نوع امید، فرض بر این است که بر فراز تاریخ، ایده ای وجود دارد و همه کنش های تاریخی در نسبت با آن تعریف می شوند.» وی سنخ دوم امید را امید تاریخی دانست که عبارت ساخته می شود، ناپرابری ها برطرف می شود یا پیروبیست ها از آن برای بسیج اجتماعی استفاده می کنند اما هیچ کدام از وعده ها محقق نمی شوند و تنها به اعتمادی را در سطح عمومی گسترش می دهد.» وی امید ناامیدی را مانند ظروف مرتبط با یکدیگر توصیف کرد و گفت: «هیچ جامعه ای، ناامید مطلق نیست بلکه باید گفت امید، از جایی به جای دیگری می رود.» به گفته مدنی، گونه جمعی امید، چشم انداز بهتری برای زندگی آینده ترسیم می کند و منجر به شکل دهی به کنش جمعی می شود. وی افزود: «امید جمعی، از جایی شروع می شود که یا گروه های اجتماعی دیدگاه شان را نسبت به وضعیت بهتر می کنند و تغییر اجتماعی به اشتراک می گذارند یا زیرساخت های قدرت مسلط، باعث ایجاد امید جمعی می شود.» وی خدمات رسانی به مردم در مناطق زلزله زده را نمونه اعلایی از امید جمعی توصیف کرد و گفت: «کسی که چشم اندازی از وضعیت بهتر در سر دارد، و این چشم انداز و راه های رسیدن جمعی به آن را با دیگران به اشتراک می گذارد، انگیزه جمعی برای رفتن به وضعیت مطلوب به دست می آید، «شبکه امید» شکل می گیرد و جمع به این نتیجه می رسد که برای رسیدن به زندگی بهتر چه تلاشی باید بکند.» مدنی، در ادامه به نقش نهادهای امید از قبیل خانواده، جامعه مدنی و... اشاره کرد که با ایجاد مجموعه ای از هنر جاها، انتظارات و انگیزه ها رسیدن به هدف وضعیت بهتر را تسهیل می کنند. وی امید اجتماعی را محصول جمع شدن امیدهای فردی در یک جامعه دانست و گفت: «اشتراک جمع ها، موجب رسیدن یک جامعه به امید اجتماعی می شود و معمولاً دارای مکانیزم های پیچیده تری نسبت به امید فردی است.» به اعتقاد این جامعه شناس، اتفاقاتی که در دی ماه افتاد، نشانه ناامیدی از یک بخش و امیدواری به بخشی دیگر است.

مدنی، خدمات رسانی به مردم در مناطق زلزله زده را نمونه اعلایی از امید جمعی توصیف کرد و گفت: «کسی که چشم اندازی از وضعیت بهتر در سر دارد، و این چشم انداز و راه های رسیدن جمعی به آن را با دیگران به اشتراک می گذارد، انگیزه جمعی برای رفتن به وضعیت مطلوب به دست می آید، «شبکه امید» شکل می گیرد و جمع به این نتیجه می رسد که برای رسیدن به زندگی بهتر چه تلاشی باید بکند.» مدنی، در ادامه به نقش نهادهای امید از قبیل خانواده، جامعه مدنی و... اشاره کرد که با ایجاد مجموعه ای از هنر جاها، انتظارات و انگیزه ها رسیدن به هدف وضعیت بهتر را تسهیل می کنند. وی امید اجتماعی را محصول جمع شدن امیدهای فردی در یک جامعه دانست و گفت: «اشتراک جمع ها، موجب رسیدن یک جامعه به امید اجتماعی می شود و معمولاً دارای مکانیزم های پیچیده تری نسبت به امید فردی است.» به اعتقاد این جامعه شناس، اتفاقاتی که در دی ماه افتاد، نشانه ناامیدی از یک بخش و امیدواری به بخشی دیگر است.

مدنی، خدمات رسانی به مردم در مناطق زلزله زده را نمونه اعلایی از امید جمعی توصیف کرد و گفت: «کسی که چشم اندازی از وضعیت بهتر در سر دارد، و این چشم انداز و راه های رسیدن جمعی به آن را با دیگران به اشتراک می گذارد، انگیزه جمعی برای رفتن به وضعیت مطلوب به دست می آید، «شبکه امید» شکل می گیرد و جمع به این نتیجه می رسد که برای رسیدن به زندگی بهتر چه تلاشی باید بکند.» مدنی، در ادامه به نقش نهادهای امید از قبیل خانواده، جامعه مدنی و... اشاره کرد که با ایجاد مجموعه ای از هنر جاها، انتظارات و انگیزه ها رسیدن به هدف وضعیت بهتر را تسهیل می کنند. وی امید اجتماعی را محصول جمع شدن امیدهای فردی در یک جامعه دانست و گفت: «اشتراک جمع ها، موجب رسیدن یک جامعه به امید اجتماعی می شود و معمولاً دارای مکانیزم های پیچیده تری نسبت به امید فردی است.» به اعتقاد این جامعه شناس، اتفاقاتی که در دی ماه افتاد، نشانه ناامیدی از یک بخش و امیدواری به بخشی دیگر است.



کنترل

نسیبه زنجری

## امید را از سالمندان نگیریم

نویسنده ای فرانسوی می گوید: «ما بر اساس امید، قول می دهیم، بر اساس ترس، قول ها و میناقهای مان را نگه می داریم و هر چند امید، واژه ای فریبنده است، اما کمک می کند تا انتهای زندگی، مسیری رضایت بخش داشته باشیم.» همین جمله ها اهمیت بیش از حد امید را نشان می دهند. امید، مفهومی مستمر از گذشته، امروز و آینده و واژه ای است که در باره تعالی صحبت می کند. امید، به قدری مهم است که گفته می شود انسان، بیش از آنکه در گذشته ریشه داشته باشد، پای در آینده دارد.

سالمندان، از جمله گروه های آسیب پذیر جامعه هستند و برای داشتن سالمندی موفق، به امید و امید اجتماعی نیازمند هستند. در نظریه های سالمندی به خصوص در نظریه اریک اریکسون - سالمندی موفق (successful aging) و مباحثی مانند «تقابل انسجام و aging» و مباحثی مانند «تقابل انسجام و ناامیدی» در یک سوم پایانی زندگی و اهمیت امید اجتماعی سالمندان، به بحث گذاشته می شود. کلید ورود به داشتن امید یا انسجام در دوران پایانی زندگی، نسل پروری در دوران میانسالی یا همان خلق پیامدهای اجتماعی مثبت است. در اینجا منظور از نسل پروری، فرزندآوری صرف نیست؛ بلکه هر نوع پیامد اجتماعی ای که احساسات مثبت خلق کند، نسل پروری است. در ایران تاکنون مطالعات جامعی درباره امید اجتماعی سالمندان انجام نشده و اکثر پژوهش ها در حوزه روانشناسی و روان درمانی بوده است. با این حال، مطالعات ما درباره امید اجتماعی در میان سالمندان تهرانی نشان می دهد که امیدواری سالمندان مناطق ۲۲ گانه تهران در حد متوسط است و تنها یک سوم آنها فکر می کنند در پنج سال آینده، وضعیت ۷ شاخص رفاهی، نابرابری، اخلاقی، دینی، اقتصاد، وحدت و همدلی، جرم و جنایت، و فقر و نداری، بهتر می شود. مقایسه میان سالمندان روستایی و شهری نیز نشان می دهد که امیدواری اجتماعی در میان روستاییان، از شهرنشینان بالاتر است. در بعد فردی نیز پژوهش ما نشان می دهد که به طور متوسط حدود نیمی از سالمندان نسبت به خود آینده شان (سطح فردی امید اجتماعی) امیدوار هستند. بدون شک این وضعیت، رضایت بخش نیست اما قبل از همه باید توجه داشته باشیم که چارچوب مفهومی امید اجتماعی، در دو بعد ادراک مثبت نسبت به سالمندی و امیدواری به آینده، صورت بندی شده و در رفتار جامعه جای می گیرد. به این معنا که امید اجتماعی در جامعه ای شکل می گیرد که تبعیض سنی در آن وجود نداشته باشد. سالمندان باید بدانند تفاوتی با دیگران ندارند تا امیدواری در آنها برای ادامه زندگی به وجود آید. از طرف دیگر، این مفهوم در تمام دوران زندگی (life course) کاربرد دارد و از این رو مهم است که ادراک امیدواری افراد را به درستی معنا کنیم. اضافه بر اینها، معنویت و سلامتی جسم و روان نیز مولفه های دیگری هستند که بر امید اجتماعی سالمندان تأثیر می گذارند. به نظر می رسد سیاست گزاران باید در زمینه خدمت رسانی های طولانی مدت سلامت به سالمندان، فعال تر باشند و از طرفی دیگر، چون سالمندان ۳۰ سال آینده ایران، جوانان امروزی هستند، لازم است مداخلاتی در دوران جوانی شهروندان انجام دهند تا مسیرهای ورود امیدوارانه آنها به سالمندی تسهیل شود. علاوه بر اینها، لازم است که برنامه ریزان کشور در کنار دیگر اقشار اجتماع، با کمک و یاری یکدیگر، سالمندان را برای مقابله با تبعیض های سنی و استرس های دوران سالمندی تجهیز کنند. ضمن اینکه استقلال، مشارکت، مراقبت، خودشکوفایی، سلامت و... هر کدام لازمه سالمندی امیدوارانه هستند. سالمندان ایرانی، نیازمند اقدامات جدی هستند و لازم است بخش های سیاست گذاری و گروه های داوطلب و دانشگاه ها در این چاراندیشی مشارکت کنند. پیشنهاد می شود برای سازگار کردن سالمندان با شرایط سالمندی و افزایش امیدواری اجتماعی در میان آنها و حتی برقراری تعادل میان رشد فردی و فقدان های دوران سالمندی، توانایی سالمندان بهینه سازی شود؛ که این به معنای جبران کمبودها یا استفاده درست از منابع در دسترس کنونی است.

نویسنده ای فرانسوی می گوید: «ما بر اساس امید، قول می دهیم، بر اساس ترس، قول ها و میناقهای مان را نگه می داریم و هر چند امید، واژه ای فریبنده است، اما کمک می کند تا انتهای زندگی، مسیری رضایت بخش داشته باشیم.» همین جمله ها اهمیت بیش از حد امید را نشان می دهند. امید، مفهومی مستمر از گذشته، امروز و آینده و واژه ای است که در باره تعالی صحبت می کند. امید، به قدری مهم است که گفته می شود انسان، بیش از آنکه در گذشته ریشه داشته باشد، پای در آینده دارد.

سالمندان، از جمله گروه های آسیب پذیر جامعه هستند و برای داشتن سالمندی موفق، به امید و امید اجتماعی نیازمند هستند. در نظریه های سالمندی به خصوص در نظریه اریک اریکسون - سالمندی موفق (successful aging) و مباحثی مانند «تقابل انسجام و aging» و مباحثی مانند «تقابل انسجام و ناامیدی» در یک سوم پایانی زندگی و اهمیت امید اجتماعی سالمندان، به بحث گذاشته می شود. کلید ورود به داشتن امید یا انسجام در دوران پایانی زندگی، نسل پروری در دوران میانسالی یا همان خلق پیامدهای اجتماعی مثبت است. در اینجا منظور از نسل پروری، فرزندآوری صرف نیست؛ بلکه هر نوع پیامد اجتماعی ای که احساسات مثبت خلق کند، نسل پروری است. در ایران تاکنون مطالعات جامعی درباره امید اجتماعی سالمندان انجام نشده و اکثر پژوهش ها در حوزه روانشناسی و روان درمانی بوده است. با این حال، مطالعات ما درباره امید اجتماعی در میان سالمندان تهرانی نشان می دهد که امیدواری سالمندان مناطق ۲۲ گانه تهران در حد متوسط است و تنها یک سوم آنها فکر می کنند در پنج سال آینده، وضعیت ۷ شاخص رفاهی، نابرابری، اخلاقی، دینی، اقتصاد، وحدت و همدلی، جرم و جنایت، و فقر و نداری، بهتر می شود. مقایسه میان سالمندان روستایی و شهری نیز نشان می دهد که امیدواری اجتماعی در میان روستاییان، از شهرنشینان بالاتر است. در بعد فردی نیز پژوهش ما نشان می دهد که به طور متوسط حدود نیمی از سالمندان نسبت به خود آینده شان (سطح فردی امید اجتماعی) امیدوار هستند. بدون شک این وضعیت، رضایت بخش نیست اما قبل از همه باید توجه داشته باشیم که چارچوب مفهومی امید اجتماعی، در دو بعد ادراک مثبت نسبت به سالمندی و امیدواری به آینده، صورت بندی شده و در رفتار جامعه جای می گیرد. به این معنا که امید اجتماعی در جامعه ای شکل می گیرد که تبعیض سنی در آن وجود نداشته باشد. سالمندان باید بدانند تفاوتی با دیگران ندارند تا امیدواری در آنها برای ادامه زندگی به وجود آید. از طرف دیگر، این مفهوم در تمام دوران زندگی (life course) کاربرد دارد و از این رو مهم است که ادراک امیدواری افراد را به درستی معنا کنیم. اضافه بر اینها، معنویت و سلامتی جسم و روان نیز مولفه های دیگری هستند که بر امید اجتماعی سالمندان تأثیر می گذارند. به نظر می رسد سیاست گزاران باید در زمینه خدمت رسانی های طولانی مدت سلامت به سالمندان، فعال تر باشند و از طرفی دیگر، چون سالمندان ۳۰ سال آینده ایران، جوانان امروزی هستند، لازم است مداخلاتی در دوران جوانی شهروندان انجام دهند تا مسیرهای ورود امیدوارانه آنها به سالمندی تسهیل شود. علاوه بر اینها، لازم است که برنامه ریزان کشور در کنار دیگر اقشار اجتماع، با کمک و یاری یکدیگر، سالمندان را برای مقابله با تبعیض های سنی و استرس های دوران سالمندی تجهیز کنند. ضمن اینکه استقلال، مشارکت، مراقبت، خودشکوفایی، سلامت و... هر کدام لازمه سالمندی امیدوارانه هستند. سالمندان ایرانی، نیازمند اقدامات جدی هستند و لازم است بخش های سیاست گذاری و گروه های داوطلب و دانشگاه ها در این چاراندیشی مشارکت کنند. پیشنهاد می شود برای سازگار کردن سالمندان با شرایط سالمندی و افزایش امیدواری اجتماعی در میان آنها و حتی برقراری تعادل میان رشد فردی و فقدان های دوران سالمندی، توانایی سالمندان بهینه سازی شود؛ که این به معنای جبران کمبودها یا استفاده درست از منابع در دسترس کنونی است.

عذوه هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی و توانبخشی